

## بررسی تطبیقی نکاح اتباع خارجه در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

معصومه عربی نوده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

معصومه عربی نوده

[Ma.domino206@gmail.com](mailto:Ma.domino206@gmail.com)

### چکیده

امروزه شرایط و آثار حاکم بر احوال شخصیه اتباع خارجه به ویژه، نکاح یا علقه‌ی زوجیت در اکثر کشورها مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است و در مورد اتباع خارجه نیز، قوانینی در چهار چوب حقوق بین الملل خصوصی یا قوانین مدنی و قوانین خاص مورد تقدیم و توجه قانونگذاران بوده است. برای مثال در خصوص موانع نکاح، در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه، شرایط خاصی وجود دارد که این شرایط از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد. موانع نکاح، موقعیت‌هایی است، که در آن ازدواج ممنوع است؛ که برخی از این موانع مطلقاً یعنی موانعی که با وجود آن ها ازدواج با هر کسی ممنوع است و برخی دیگری نیز برای نسبی بوده که ازدواج را بین اشخاص معینی ممنوع می‌کند. تقسیم بندی دیگری نیز برای موانع ازدواج در حقوق فرانسه وجود دارد: ۱- موانع نهی کننده ۲- موانعی که مانع از به رسمیت شناختن ازدواج می‌باشد. که این موانع اثر کامل تری از موانع نهی کننده دارد، چرا که موانع نهی کننده مانع از صحت ازدواج نمی‌باشد، در حالی که موانع دسته‌ی دوم منجر به بطلان ازدواج می‌گردد و بطلان ازدواج را حتی پس از ثبت آن به دنبال خواهد داشت. با این وجود حقوق قدیم فرانسه، موانع متعددی را برای ازدواج مطرح می‌کرد، موانعی که منبع از اعتقادات مذهبی و اخلاقی بود، در حالی که امروزه بر اساس شرایط موجود، تعدادی از این موانع حذف گردیده‌اند. در حقوق انگلیس نیز اگر کسی مبادرت به انعقاد عقد نکاح با یک فرد می‌نمود که ازدواج با او قانوناً ممنوع بود، در این صورت، عقد نکاح از آغاز باطل بود، اما چون این عمل با اعتقاد به صحت چنین ازدواجی صورت گرفته بود، فرزندان متولد از چنین نکاحی علی‌رغم بطلان آن، مشروع تلقی گردیده و از مزایای یک وازگان کلیدی: نکاح- حقوق- احوال شخصیه- طلاق- ازدواج

**مقدمه**

انحلال عقد ازدواج علاوه بر صدمات و لطمات روحی و روانی، باعث ایجاد مسائل و مشکلات مالی مختلفی بین زن و شوهر خواهد شد. انحلال عقد اصولاً سبب از بین رفتن تمامی روابط ناشی از آن می‌شود، لیکن در مورد عقد نکاح روابط مالی زوجین در مواردی حتی پس از انحلال نیز ادامه پیدا می‌کند. هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با تصویب قوانین مختلفی سعی در احفاظ حق و حل مشکلات مطرح در این زمینه دارند. مهمترین مسائل مالی پس از انحلال نکاح در سیستم حقوقی ایران، جهیزیه، نفقه، مهریه، شرط تنصیف اموال، نحله، اجرت المثل و ارث می‌باشد. متأسفانه نهادهای حمایتی مالی در حقوق ایران تنها به عامل طلاق از عوامل انحلال ازدواج اکتفا کرده است که متأسفانه شروط و قیود فراوانی برای امکان اجرای آن توسط قانون گذار پیش‌بینی شده است و به نظر می‌رسد مانع و سدی برای رسیدن به حق می‌باشد. اما در نظام حقوقی انگلستان، بوازی هر یک از زن و شوهر سهمی برابر در اموال و دارایی‌های حاصله در طول زندگی مشترک قرار داده است. بنابراین در صورت انحلال ازدواج اموال به نسبت مساوی بین آن‌ها تقسیم خواهد شد، حتی اگر زن مباشرتی در ایجاد درآمد نداشته و به حرفة‌ی خانه داری مشغول باشد. در انگلستان، انحلال عقد ازدواج یک سری آثار مشترک بر روابط مالی زوجین می‌گذارد که شامل، چگونگی تقسیم وسایل و اثاث منزل، حساب‌های بانکی، منزلی که زوجین در آن سکونت داشتند و حق انفاق خواهد بود. در قانون انگلستان بین اموال اختصاصی و اموال مشترک تفاوت و تمایز قائل شده اند و قانون گذار به تعریف و بیان کامل هر یک از این اموال پرداخته است.<sup>۱</sup> با این حال در حقوق فرانسه نیز، اولین اختلاف بین ازدواج در ایران و در فرانسه آنکه اولی هنوز جنبه‌ی مذهبی خود را حفظ کرده و قواعد مربوطه‌ی به نکاح بر حسب مذهب تغییر می‌کند و حال اینکه در دومی تفکیک بین قانون ازدواج و مذهب کامل و کلیه‌ی فرانسویان از هر کیش که باشند مطیع قانون مدنی خواهند بود. اختلاف دیگر مربوط به طبیعت نکاح است. مطابق قانون مدنی ایران، ازدواج عقدی است که جنبه‌ی خصوصی در آن غلبه دارد ولی در حقوق فرانسه ازدواج رابطه‌ای است حقوقی که بیشتر حائز جنبه‌ی عمومی می‌باشد. با این وجود در این مقاله ما با شرایط و آثار نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس آشنا خواهیم شد و تمامی شرایط و آثار حاکم بر آن را بر اتباع مختلف بررسی خواهیم نمود. هر چن تا حد امکان نیز از اطالله‌ی کلام پرهیز خواهد شد.

**۱- مفهوم شناسی نکاح و تابعیت****۱-۱- مفهوم نکاح**

جمعی از واژه‌شناسان معتقدند لغت نکاح در اصل به معنای «وطی و جماع» است<sup>۲</sup>

اما به معنای عقد نکاح مجازاً به کار رفته است.<sup>۳</sup> برخی دیگر می‌نویسن: نکاح در اصل به معنای عقد است و بطور مجازی در معنای جماع به کار می‌رود، زیرا کلماتی که به مفهوم جماع دلالت دارند، کنایی هستند<sup>۴</sup> بعضی نیز معنای «بعض» را در ردیف معنای واژه نکاح ذکر کرده اند.<sup>۵</sup> بعضی نیز احتمال داده اند این واژه مشترک میان دو معنای وطی و عقد باشد.<sup>۶</sup> همین احتمالات در منابع فقهی نیز می‌باشد.<sup>۷</sup> لذا این نظر که لغویون اجماع دارند موضوع له حقیقی نکاح وطی است و استعمال آن در عقد نکاح مجازی است؛ صحیح نمی‌باشد.<sup>۸</sup>

تعريفی از نکاح در قانون مدنی ایران به عمل نیامده و نیز در اکثر مطالعات فقهی تعريفی از آن نشده است. در حین حال در زبان فارسی به ازای نکاح همان عقد ازدواج و یا وضعیت حاصل از آن عقد را نوشته اند. برخی از فقهای عame عقد نکاح را به اینگونه تعريف کرده‌اند: «نکاح، عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با یکدیگر متحد می‌شوند.» تعريف معروف و کلاسیک در حقوق انگلیس از ازدواج آمده چنین است: «وحدث ارادی یک زن و یک مرد برای زندگی ....». در قوانین برخی کشورهای اسلامی در تعريف نکاح به هر دو جنبه استمتعاج جنسی و تشکیل زندگی مشترک اشاره شده است، مثلاً ماده یک قانون احوال شخصی سوریه مصوب سال ۱۹۵۳ می‌گوید: «ازدواج عقدی است بین زن و مرد که زن را شرعاً بر مرد حلال می‌کند و هدف آن ایجاد ارتباط

<sup>۱</sup>. نوری، فاطمه، ۱۳۸۳، روابط مالی زوجین پس از انحلال نکاح در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ص ۱.

<sup>۲</sup>. طریحی، فخرالدین، ۱۲۶۷، «مجمع‌البحرين»، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۳۶۹.

<sup>۳</sup>. جوهری، ابی نصراسعیل بن حماد، ۱۴۲۰ق، «الصحاب»، دارالكتاب الاسلامية، ج ۱، ص ۴۰۳.

<sup>۴</sup>. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، «مفردات فی غريب القرآن»، دفتر نشر الكتاب، ص ۵۰۵.

<sup>۵</sup>. این منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، «لسان العرب»، دار احیاء التراث العربي، ج ۲، ص ۶۲۶.

<sup>۶</sup>. طریحی، فخرالدین، پیشین، ص ۳۶۹.

<sup>۷</sup>. انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، «كتاب النكاح»، قم، مؤسسه باقری، ص ۲۵.

<sup>۸</sup>. مدرسی یزدی، سید عباس، ۱۴۱۰ق، «نموذج فی الفقه الجعفری»، قم، مکتبة الداوري، ص ۵۳۵.

برای زندگی مشترک و تولید نسل است.» اما، سوای از این تعاریف، می‌توان به تعریفی که برخی از اساتید گفته‌اند و مناسب‌ترین تعریف می‌باشد استناد جست که چنین است: «نکاح، رابطه‌ای حقوقی است که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند.»<sup>۱</sup>

## ۲-۱- مفهوم تابعیت

تابعیت عبارت است از عضویت فرد، حقیقی یا حقوقی، در جمیعت تشکیل دهنده دولت، که بیان‌گر رابطه حقوقی، سیاسی و معنوی فرد تابع با دولتی معین می‌باشد و ثمره آن بهره‌مندی وی از حقوقی است که به موجب قوانین کشور متبع برای شهروندان آن وجود دارد.<sup>۲</sup> تابعیت در لغت به معنای پیرو و فرمان‌بردار بودن است و تابع (جمع: تَبَعَ، أَتَبَعَ) کسی است که عضو جمیعت اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمیعت نباشد، اگر چه مقیم سرزمین آن دولت باشد، بیگانه یا غیرخودی می‌گویند.<sup>۳</sup>

## ۲- نکاح اتباع خارجه در حقوق ایران

ازدواج‌های شرعی مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و هجوم مهاجرین کشورهای همسایه به ایران موجب بروز مشکلات زیادی شده که دامن گیر هموطنان ما شده است. ممکن است ازدواج شرعی که بین دو تبعه ایرانی صورت پذیرفته مشکلی نداشته باشد و به راحتی در مراجع رسمی با حکم دادگاه قابل ثبت و به رسمیت شناخته شده باشد، اما ازدواج بین اتباع ایران با اتباع بیگانه بدون هماهنگی مراجع رسمی مشکلات فراوان را به همراه دارد و چون آثار ازدواج بعنوان یک عقد اجتماعی دامن گیر جامعه می‌شود و آثار اجتماعی آن محدود به طرفین عقد نمی‌شود بلکه سرنوشت فرزندان نیز بر این ازدواج وابسته است. بنابراین طرفین نمی‌توانند آزادانه آثار آنرا معین کنند، نتایج و آثار آن را به طور امری از طرف قانونگذار معین می‌شود و مجموع مقررات آن «موقعیت قانونی» خاصی دارد. بنابراین با توجه به اهداف سیاسی دولت و ضرورت کنترل بر اتباع و مصلحت بانوان ایجاب می‌کرد که دولت نسبت به اینگونه ازدواج‌ها نظارت داشته باشد به همین دلیل در عمل رویه دادگاهها بر این بوده، با عنایت به اینکه شورای نگهبان ماده یک قانون ازدواج را غیرشرعی اعلام کرده ولی در خصوص ماده ۱۷ قانون ازدواج مبنی بر تحصیل اجازه سکوت نموده و دادگاهها در عمل آن را معتبر تلقی کرده و اعمال می‌نمودند. تا اینکه برای رعایت و حفظ مصلحت بانوان ایران شورای عالی قضایی طی بخششانه ای اعلام کرد که اعتبار ماده ۱۷ قانون ازدواج به قوت خود باقی است در این بخششانه تأکید شده است که دفاتر ثبت ازدواج باید از ثبت اینگونه ازدواج‌ها خودداری کنند و بیگانه ای که بدون پروانه زناشویی مبادرت به ازدواج با بانوی ایرانی نماید به مجازات مصروف خواهد شد.<sup>۴</sup>

ثبت ازدواج به عنوان یکی از وقایعه ۴ گانه هر انسانی (ولادت، مرگ، ازدواج، طلاق) در ایران الزامی است و جنبه آمره دارد و افراد در تنظیم درخواست و ثبت آن مخير نمی‌باشند و مطابق ماده ۹۹۳ قانون مدنی یکی از مواردی که باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظمات مخصوصه مقررات به دایرۀ سجل احوال اطلاع داده شود ازدواج است اعم از دائم و منقطع.<sup>۵</sup> هدف از این الزام سهولت اثبات زوجیت و حمایت از حقوق کودکان است. ثبت ازدواج در دفاتر اسناد رسمی از بسیاری گفتگوهای ناهنجار درباره انکار زوجیت و نسب می‌کاهد و به استواری و بنیان خانواده کمک می‌کند. به همین جهت، دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلف شده که این وقایع را در شناسنامه زوجین نیز درج و مهر و امضاء کنند.<sup>۶</sup>

لازم به ذکر است اثبات عقد تنها از این راه ممکن نیست و از همه دلایل اثبات دعوی (اقرار، سند، شهادت، اماره، سوگند) نیز می‌توان استفاده کرد. در بند اول ماده ۳۲ قانون ثبت احوال آمده است: ارائه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت برای ثبت آن در اسناد سجلی طرفین کافی است. این حکم به خوبی نشان می‌دهد که ثبت ازدواج، نه تنها در زمرة شرایط صحت آن نیست، یگانه دلیل اثبات هم بشمار می‌رود. همانطوری که پیش از این ذکر شد، ازدواجی که بدون پروانه زناشویی بین یک زن ایرانی و یک مرد تبعه بیگانه واقع گردد، از آنجا که دفاتر رسمی ازدواج، بدون پروانه مذکور از ثبت آن خودداری می‌نمایند، بنابراین لزوماً صورت عادی به خود می‌گیرد.

<sup>۱</sup>. به نقل از سایت <http://www.iranprisons.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

<sup>۲</sup>. جوزیه، ابن قیم، ۱۹۸۳، احکام اهل الذمّة، بیروت چاپ صحیح صالح.

<sup>۳</sup>. ابن هشام، ۱۴۱۲، السیرة النبویة، بیروت، چاپ سهیل زکار.

<sup>۴</sup>. به نقل از سایت [full-thesis.net](http://full-thesis.net) در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۲

<sup>۵</sup>. ماده ۹۳۳ قانون مدنی: امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظمات مخصوصه مقررات به دایرۀ سجل احوال اطلاع داده شود. ۱- ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود. ۲- ازدواج، اعم از دائم و منقطع ۳- طلاق اعم از بائن و رجهی و همچنین بذل مدت ۴- وفات هر شخص

<sup>۶</sup>. ماده ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵

و تنها پس از کسب پروانه ازدواج است که این ازدواج قابلیت ثبت را در دفاتر ازدواج را پیدا می کند در این صورت اگر چنانچه زوجین به قوع این ازدواج مقر باشد مشکلی از جهت ثبت این ازدواج ایجاد نمی گردد مشکل، زمانی به وجود می آید که یکی از زوجین، قوع این ازدواج را منکر گردد یا آنکه یکی از آنها فوت شده باشد یا غایب شده باشد و دیگری بخواهد برای فرزندانی که از این ازدواج بوجود آمده اند شناسنامه بگیرد یا در اموالی که از ترکه همسر متوفیاش به جا مانده است تصرف نماید. در این موارد نخست نیاز است که ذینفع با تقديریم دادخواست اثبات زوجیت به دادگاه محل وقوع ازدواج و رابطه زوجیت را به اثبات برساند و پس از ختم رسیدگی قضایی و تحصیل حکم، با ارائه رونوشت دادنامه صادره به وزارت کشور (هم اکنون اداره امور اتباع خارجه) پروانه زناشویی را تحصیل نموده و با در دست داشتن پروانه مذکور در نهایت موفق به ثبت آن در دفتر ازدواج می گردد. مقررات مشترکی که در ثبت واقعه ازدواج زن با مردی که تبعه کشور بیگانه است بدون توجه به جنسیت آنها اعمال می شود بند ۱۸۱ بخشنامه های ثبتی است که مقرر می دارد: در مواردیکه یکی از زوجین تبعه بیگانه است، بایستی علاوه بر گذرنامه، پروانه اقامت معتبر از شهربانی در دست داشته باشند و مهر اقامت سه ماهه یا بیشتر در گذرنامه این قبیل اشخاص زده می شود، نمی تواند پروانه اقامت برای ازدواج محسوب گردد.<sup>۱</sup>

### ۳- نکاح اتباع خارجه در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان قوانین زیادی در رابطه با روابط خانوادگی به تصویب رسیده است و کمتر از رویه قضایی استفاده می شود؛ بنابراین می توان گفت امروزه منبع اصلی حقوق خانواده، مقررات موضوعه است و از آنجا که در روابط زوجین، حقوق و وظایف اقتصادی مطرح می گردد باید این روابط بطور دقیق مشخص شود و نمی توان آنها را به رویه قضایی واگذار نمود. در حقوق انگلستان دو نوع رابطه زوجیت وجود دارد: یکی زوجینی که ازدواج کرده اند و زندگی مشترک آنها ناشی از انعقاد عقد نکاح است و دیگری زوجینی که بدون انعقاد عقد نکاح اما به صورت مشترک با یکدیگر زندگی می نمایند. کامن لاو وظیفه حمایت از زن را بر عهده شوهر نهاده و در حیطه عمل به این وظیفه، قوانینی در جهت صدور و اجرای دستورات مالی توسط دادگاهها به تصویب رسیده است. البته مقررات فوق تا زمانی کاربرد دارند که زوجین توافقی خلاف آن ننموده باشند. از جمله مقرراتی که در رابطه با نفقة به تصویب رسیده است می توان به موارد ذیل اشاره کرد: قانون صدور دستورات پرداخت نفقة و طرقه اجرای آن مصوب ۱۹۲۰، قانون دستورات نفقة مصوب ۱۹۵۸ و ۱۹۷۲. قانون اسباب و علن زناشویی مصوب ۱۹۷۳. قانون دادگاههای خاص و دعاوى خانوادگی مصوب ۱۹۷۸، قانون قضاؤت و صلاحیت مدنی ۱۹۸۲ و قانون اجرای دستورات نفقة مصوب ۱۹۹۱.<sup>۲</sup> تفاوت‌های بسیاری در سازمان خانواده در جامعه انگلیسی وجود دارد؛ اما تعدادی ویژگی های کلی نیز وجود دارد که در مورد اکثر جمعیت قابل تطبیق است:

**۱- خانواده ای انگلیسی تک همسر است، و تک همسری در قانون رسمیت یافته است. اما با در نظر گرفتن میزان زیاد طلاق که اکنون در انگلستان وجود دارد، برخی محققان اظهار کرده اند که الگوی ازدواج انگلیسی را باید تک همسری پی در بی نامید. یعنی افراد مجازند تعدادی همسر به طور بی در پی داشته باشند، اگر چه هیچ کس نمی تواند در یک زمان بیش از یک زن یا شوهر داشته باشد. با وجود این عدم تشخیص تک همسری قانونی از رفتار واقعی جنسی، گمراه کننده است. بدیهی است که نسبت زیادی از انگلیسی ها با افراد غیر از همسرانشان روابط جنسی دارند.**

**۲- ازدواج انگلیسی بر پایه ای اندیشه ای عشق رمانیک نهاده شده است. فردگرایی عاطفی به صورت مهمترین عامل مؤثر در ازدواج در آمده است. انتظار می رود روابط زناشویی بر اساس علاقه ای مقابل و جذابیت شخصی و سازگاری بین زن و مرد برقرار گردد. امروزه در انگلستان عشق رمانیک به عنوان جزئی از ازدواج، به صورت امری طبیعی درآمده است و به نظر می رسد که بیشتر یک جزء طبیعی هستی انسان است تا یک ویژگی مشخص فرهنگ امروزی. بدیهی است میان واقعیت و آرمانخواهی فاصله است. تأکید بر ارضا شخصی در ازدواج انتظاراتی را مطرح کرده است که گاهی نمی توانند برآورده شوند، و این یکی از عواملی است که در افزایش میزان طلاق دخالت دارد.**

**۳- خانواده ای انگلیسی از نوع پدر تباری و نو بومی است. وراثت پدر تباری مستلزم آن است که فرزندان نام خانوادگی پدر را اختیار کنند و دارایی معمولاً از طریق مرد انتقال پیدا می کند. (بسیاری از جوامع در جهان مادرتبار هستند؛ نامهای خانوادگی، و غالباً دارایی، از طریق زن انتقال می یابند). الگوی اقامت نوبومی متنضم آن است که زوجهای متأهل به مسکنی دور از خانواده ای پدریشان انتقال یابند. اما نوبوم گرایی یک ویژگی مطلقاً ثابت خانواده ای انگلیسی نیست. بسیاری خانواده ها، به ویژه در محلات طبقه ای پایین، مادر بومی هستند، زوچهای تازه ازدواج کرده در ناحیه ای نزدیک به محل زندگی پدر و مادر عروس اقامت می کنند.**

<sup>۱</sup>. آذرپور، حمید، حاجی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۲، مجموعه بخشنامه ثبتی، تهران، گنج دانش، ص ۷۳.

<sup>۲</sup>. اسدی، لیلا، ۱۳۸۷، بررسی نفقة زوجه و اقارب در حقوق انگلستان، تهران، مجله ای ندای صادق، ش ۲۴، ص ۱

۴- خانواده‌ی انگلیسی هسته‌ای است، شامل یکی از والدین یا هر دو که در خانه‌ای با فرزندانشان زندگی می‌کنند. اما واحدهای خانواده‌ی هسته‌ای به هیچ وجه از سایر پیوندهای خویشاوندی مجزا نیستند.<sup>۱</sup> در میان انواع گوناگون خانواده در انگلستان، یک الگو مشخصاً با اکثر انواع دیگر متفاوت است، الگویی که در ارتباط با گروههای آسیای جنوبی است. جمعیت آسیای جنوبی بریتانیا بیش از یک میلیون نفر است. مهاجرت آنها در دهه ۱۹۵۰ از سه ناحیه‌ی اصلی شبه قاره هند آغاز گردید: پنجاب، گجرات و بنگال. در بریتانیا، این مهاجران اجتماعاتی بر پایه‌ی مذهب، خاستگاه، کاست و مهمتر از همه، خویشاوندی تشکیل دادند. بسیاری از مهاجران دریافتند عقایدی که آنان درباره‌ی شرافت و وفاداری خانوادگی دارند تقریباً به هیچ وجه در میان جمعیت بومی بریتانیا وجود ندارد. آنها می‌کوشیدند وحدت خانواده را حفظ کنند، اما مشکل مسکن وجود داشت. خانه‌های بزرگ قدیمی در نواحی رو به ویرانی قرار داشتند؛ انتقال به نواحی بالاتر معمولاً به معنای انتقال به خانه‌های کوچکتر و تجزیه خانواده‌ی گسترده بود. کودکان آسیای جنوبی که در بریتانیا متولد می‌شوند در معرض دو فرهنگ بسیار متفاوت قرار دارند. در خانه، پدر و مادرها هنموا بی‌با هنچارهای همکاری، احترام و وفاداری خانوادگی را از آنها انتظار داشته‌یا طلب می‌کنند. در مدرسه از آنها انتظار می‌رود که موقوفیت تحصیلی را در محیط اجتماعی سبقت جویان و فردگرایانه‌ای دنبال کنند. بیشتر این کودکان خواهان سازماندهی زندگی داخلی و شخصی خود برحسب خرده فرهنگ قومی اند زیرا به روابط نزدیک مرتبط با زندگی خانوادگی سنتی ارج می‌نهند. با وجود این فرقاً گرفتن در معرض فرهنگ انگلیس دگرگونیهایی پدید آورده است. جوانان دختر و پسر اکنون خواستار اظهارنظر بیشتری در ترتیب دادن ازدواجشان هستند.<sup>۲</sup>

#### ۴- نکاح اتباع خارجه در حقوق فرانسه

حسب آنچه که از قانون مدنی ایران استبیاط می‌شود، ازدواج رابطه‌ای است غیر ثابت. عقدی است که بیشتر منافع شوهر در آن ملحوظ میگردد. ولی در حقوق فرانسه نکاح عقد محکم و دائمی است که بیشتر بنفع اولاد توجه دارد. این است وضعیت حقوقی ولی در عمل اختلاف فوق الذکر چندان قابل ملاحظه نیست. چه حقوق ایران چه حقوق فرانسه تحت تأثیر عوامل متضاد رو به تکامل رفته و روز بروز اختلاف فی مابین کمتر میشود؛ در ایران مقنن سعی میکند که نکاح وضعیت نسبتاً ثابتی بخود گرفته و حافظ منافع اولاد باشد در صورتی که علاقه‌ی محکم فرانسه به استحکام روابط بین زوجین رو به نقصان می‌رود. بنابراین می‌توان گفت که حقوق ایران و حقوق فرانسه در حالی که برای تکامل تدریجی خود دو مسیر مختلف طی می‌کنند، در نظر دارند عملًا وضعیت تازه برقرار کنند که بیشتر با اختیاجات فعلی این دو ملت متناسب باشد. این اختلاف در سیر تکاملی باوجود وحدت مقصود نتیجه‌ی اختلافی است که در ابتدای امر بین قانون ازدواج در ایران و در فرانسه وجود داشته است: در فرانسه قانونی که پایه‌های اولیه‌ی نظمات مربوطه به ازدواج را تشکیل داده ناشی از حقوق مسیحی است که معتقد به جنبه‌ی مقدس ازدواج می‌باشد. در این مذهب «نکاح یکی است و دائمی است». یعنی از یک طرف نکاح واقع میشود بین یک مرد و یک زن. بنابراین تعدد زن یا شوهر باطل است و از طرف دیگر نکاح رابطه‌ی است دائمی و غیر قابل فسخ. ولی در ایران قوانین مربوطه به ازدواج ماخوذ از حقوق اسلامی میباشد و شارع مقدس اسلام معتقد است که «ازدواج نه یکی است و نه همیشگی» طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی، تابعیت ایرانی زن به قوت خود باقی خواهد ماند، مگر آنکه مطابق قانون شخصیه او مترتب می‌شود و در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، تابعیت ایرانی زن به قوت خود باقی خواهد ماند، مگر آنکه مطابق قانون دولت متابع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زن تحمیل شود. با وجود این، متعاقب فوت شوهر یا جدایی با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه، به انضمام برگ تصدیق فوت شوهر یا سند جدایی و مtarکه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه، مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.<sup>۳</sup>

نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که هر کس باید مطیع قانون دولت متابع خود باشد فقط در قسمتی که قانون مزبور راجع به ماهیت طلاق است<sup>۴</sup>

و نه در قسمتی از قوانین مربوطه به طلاق که راجع به ماهیت نمی‌باشد مثل آینین دادرسی که باید برای گرفتن طلاق رعایت گردد. بنابراین زن فرانسوی در محکمه ایران علیه شوهر خود که تبعه فرانسه است اقامه دعوای طلاق نماید محکمه باید از حیث اینکه آیا مورد از موارد امکان طلاق است یا نه به قانون فرانسه مراجعه کند ولی اصول و ترتیب رسیدگی به دعوا تابع قانون فرانسه نخواهد بود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۶، جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ص ۲

<sup>۲</sup>. همان

<sup>۳</sup>. به نقل از سایت <http://www.razmilawyer.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

<sup>۴</sup>. عامری، جواد، ۱۳۵۱، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، سایه، ص ۱۸۲

<sup>۵</sup>. همان

### نتیجه گیری

حقوق بین الملل خصوصی، یکی از شاخه های خود را به احوال شخصیه اختصاص داده است که واقعه‌ی نکاح یا فسخ آن، یکی از شاخه های آن می باشد که در پژوهش حاضر در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه پرداخته شد. ماده ۹۶۱ قانون مدنی ایران که برگرفته از قانون مدنی فرانسه است حق تمتّع اتباع بیگانه از حقوق مدنی را برای آنان به رسمیت شناخته و جز در موارد حقوقی که قانون آن را صرحتاً منحصر به اتباع ایران نموده یا صرحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است مثل بخشی از حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را نپذیرفته مثل حق طلاق، تعدد زوجات و در مورد حقوق خاصه‌ای که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد مانند حق قیمومت بر محجور ایرانی یا حق نفقة، در سایر موارد اتباع بیگانه از حقوق مدنی و خصوصی برخوردارند. بعضی از حقوق مزبور توسط معاهدات سیاسی و بعضی توسط قانون به طور مطلق یا در حدود معاهدات یا با شرط معامله متقابل برای آنها پیش‌بینی شده است. با این وجود احوال شخصیه اتباع خارجه می‌تواند به اشکال مختلفی تقسیم گردد که یکی از این موارد را می‌توان نکاح یا ازدواج اتباع خارجه عنوان نمود که شرایط و احکام آن در ایران، انگلیس و فرانسه متفاوت می‌باشد. همانطور که در این مقاله اشاره گردید، در خصوص واقعه‌ی ازدواج یا نکاح، می‌بایست به قوانین ایران، فرانسه و انگلستان در موارد مختلف رجوع نمود. چرا که در این زمینه، قوانین هر کشوری در موضوع احوال شخصیه متفاوت می‌باشد.

## منابع و مراجع

- [۱] آذرپور، ح، حجتی اشرفی، غ.ر، مجموعه بخشنامه ثبتی، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۲.
- [۲] ابن هشام، ا، السیرة النبوية، چاپ سهیل زکار، بیروت، ۱۴۱۲.
- [۳] ابن منظور، ا، «لسان العرب»، دار احیاء التراث العربي، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۵.
- [۴] اسدی، ل، بررسی نفقة زوجه و اقارب در حقوق انگلستان، مجله‌ی ندای صادق، تهران، ش ۲۴، ۱۳۸۷.
- [۵] انصاری، م، «كتاب النكاح»، مؤسسه باقری، قم، ۱۴۱۵.
- [۶] جوزیه، ا، احکام اهل الذمّة، چاپ صحی صالح، بیروت، ۱۹۸۳.
- [۷] جوهری، ا، «الصحاح»، دار الكتب الاسلامية، بیروت، ج ۱، ۱۴۲۰.
- [۸] راغب اصفهانی، ح، «مفہدات فی غریب القرآن»، دفتر نشر الكتاب، قم، ۱۴۰۴.
- [۹] طریحی، ف، «مجمع البحرين»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، قم، ۱۳۶۷.
- [۱۰] عامری، ج، حقوق بین الملل خصوصی، سایه، تهران، ۱۳۱۵.
- [۱۱] گیدنر، آ، جامعه شناسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
- [۱۲] مدرسی یزدی، س.ع، «نمودج فی الفقه الجعفری»، مکتبه الداوري، قم، ۱۴۱۰.
- [۱۳] نوری، ف، روابط مالی زوجین پس از انحلال نکاح در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
- [۱۴] به نقل از سایت <http://www.iranprisons.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰
- [۱۵] به نقل از سایت [full-thesis.net](http://full-thesis.net) در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۲
- [۱۶] به نقل از سایت <http://www.razmilawyer.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰